

برای او که «شوق پرواز» داشت پريدن تا معراج عشق

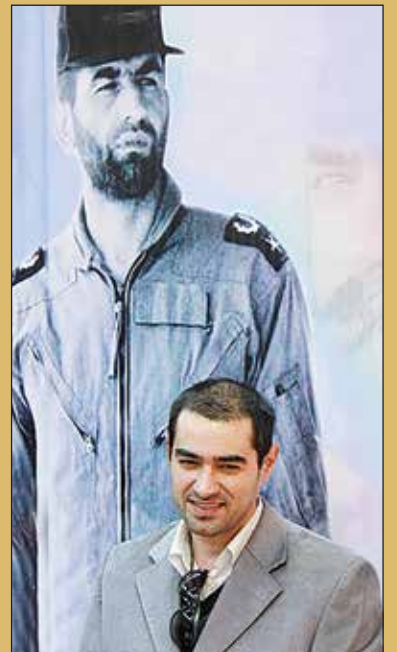
نوشين مجلسی

سردبير

قاب کوچک



۱۵ مرداد ۱۳۶۶ آخرین پرواز یکی از بهترین و پرافتخارترین خلبانان ایرانی جاودانه شد. او به مقصد معراج شهادت پريد و قصه خود را ماندگار کرد؛ قصه‌ای که سال ۱۳۹۰ در قاب تلویزیون جا گرفت؛ روایتی به کارگردانی زنده‌یاد پيدا... صمدی و نقش آفرینی شهاب حسینی، الهام حمیدی، اکبر عبدی، شهرام حقیقت‌دوست و دیگر چهره‌های شناخته‌شده. در جایی از قصه، عباس می‌گوید: «پرواز اندازه آدمو برملا می‌کنه. هرچی بالاتر می‌ری. هرچی بالا و بالاتر می‌ری. دنیا از دید تو بزرگ‌تر می‌شه و تو از دید دنیا کوچک‌تر! بهمون گفتن خلبانی یعنی دست‌وپنجه نرم کردن با مرگ. خلبانی هواپیمای جنگی یعنی اصلا خود مرگ!» همین چند جمله چکیده‌ای از زندگی اوست که در قامت قهرمان ملی، ملموس و باورپذیر تصویر شده است. عباس بابایی در «شوق پرواز» نه آن قدر آسمانی و دست‌نیافتنی است که مخاطب برای نزدیک شدن به او مسیری نیابد و نه از جنس آدم‌های معمولی است که می‌شناسیم. ماجرای حقیقی او که در مصاحبه با خانواده‌اش به نگارش درآمده با جنبه‌های دراماتیک در هم آمیخته و چند شخصیت داستانی نیز به آن افزوده شدند. زاویه و محور اصلی سریال، خانواده بابایی و ارتباط عاطفی او با همسرش است. از سوی دیگر این قصه به امروز پیوند می‌خورد و باز زندگی یک روزنامه‌نگار در هم می‌آمیزد اما این همان بخشی است که اتفاقا در این روایت خاطره‌انگیز و تماشایی، خلل ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد زندگی عباس بابایی چه از دریچه شخصیتی نظامی و چه از بعد خانوادگی و عاشقانه، آن قدر جذابیت و کشش داشته که نیازی به افزودن شخصیت‌های جدید نداشت. به هر روی سریال شوق پرواز به دلیل روایت زندگی یکی از قهرمانان وطن، به نمایش درآوردن بخشی از تاریخ معاصر کشورمان، به تصویر کشیدن قصه‌ای که با عواطف مخاطبان به خوبی ارتباط برقرار می‌کند و همچنین حضور بازیگران چهره و توانمند توانسته تا امروز به یکی از ماندگارترین آثار تلویزیونی به خصوص در ثبت زندگینامه شهدا تبدیل شود؛ سریالی که همچنان در بازپخش‌ها نیز بیننده دارد.



برگ اول

مستوران به زبان تصویر

سریال مستوران به تهیه‌کنندگی عطا پناهی، نخستین بار تابستان ۱۴۰۱ به کارگردانی مسعود آب‌پرور و سید جمال سیدحاتمی پخش شد و استقبال از آن متولیان را بر آن داشت تا فصل دیگری را هم به تصویر بکشند. سری دوم را سیدعلی هاشمی کارگردانی کرد. پخش این فصل انتهای پاییز سال گذشته از تلویزیون آغاز شد و ۲۰ سال پس از فصل اول را روایت می‌کرد. این مجموعه به طور کلی روایتگر ماجراهایی تلفیق‌شده از داستان‌ها و افسانه‌های کهن مانند هزار و یک شب، کشکول، گلستان و شاهنامه است که جایی در ایران حدود ۵۰۰ سال پیش می‌گذرد.

برگ دوم

قصه‌های کهن در یک قاب

محمد حنیف، پژوهشگر و داستان‌نویسی که تا امروز برنده جایزه‌های متعدد شده و درخصوص فرهنگ عامه و قصه‌های کهن ادب فارسی تحقیقاتی داشته است.

حنیف درباره نگارش مستوران بیان کرد: برای نوشتن اولین نسخه قصه مستوران به بیش از ۵۰ منبع و مآخذ مراجعه کردیم و از برخی آثار، حکایات، قصه‌ها یا افسانه‌هایی به عاریت گرفتیم؛ اما در مرحله بازآفرینی، متن اولیه تغییرات دیگری پذیرفت؛ چنانچه واقعا نمی‌دانستیم سهم هر اثر در قصه هر قسمت از سریال چقدر بوده و تخیل من و همکاران اهل فن، چه میزان در خلق قصه مذکور تاثیر داشته است.

به هر حال از بعضی آثار مکتوب همچون «هزار و یک شب»، «هزار و یک روز»، «جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات»، «تاریخ بیهقی» و اغلب آثار ادبی و فرهنگ و ادب عامه مکتوب گذشته، سود جستیم. از بعضی قصه‌های فولکلوریک مکتوب و همچنین قصه‌های گردآوری شده در واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما (که حاصل زحمات مرحوم انجوی شیرازی و همکاران فرهنگیار او در سراسر کشور بود) نیز بهره‌ها بردیم. همین‌طور از دیوان‌های شعر شاعران معاصر و گذشته و حتی پژوهش‌هایی در حوزه قصه‌های عامه. در کنار این منابع و مآخذ کتبی، قصه‌های ظهر جمعه رادیو نیز یکی از منابع ما بود.

سیدعلی هاشمی، کارگردان فصل دوم هم درباره تخیلی بودن قصه‌ها به جام‌جم گفت: زمانی که این سریال در آن روایت می‌شود، یک زمان تخیلی است. یعنی ممکن است در ۵۰۰ سال پیش قبیله وحشی‌ها وجود نداشته باشد و به همین دلیل برخی چیزها کاملا از تخیل می‌آید.

برگ سوم

درباره رمان حنیف

رمان «مستوران: سوده و سیمرغ» مجموعه‌ای از افسانه‌ها و متل‌های درهم‌تنیده شده است. محمد حنیف با درآمیزی تخیل و خلق فضا، جغرافیا و شخصیت‌ها روایت یکپارچه‌ای ارائه کرده است. عطا پناهی، تهیه‌کننده سریال و مدیر انتشاراتی که رمان در آن به نشر می‌رسد با این توضیح که داستان مستوران ماجرای دختری پاکباز به نام سوده است، بیان کرد: یکی از اصلی‌ترین راین این رمان چندلایه، سوده است و در آغاز و پایان هر فصل، با کانون روایت اول شخص، راوی

نگاه به برداشت آزاد ۲ فصل سریالی افسانه‌ای از یک کتاب

سفر به شهر پر قصه مستوران

می‌شود و این سرآغاز دو فصل سریال با تصاویری خوش‌آب‌ورنگ است. سریال «مستوران» برداشتی از رمان محمد حنیف با همین نام است. در اینجا نگاهی به این دو اثر داریم.

قصه ظهر جمعه نیست. صدای محمد رضا سرشار این بار ما را به دنیای افسانه و خیال می‌برد که در آن شهری به نام مستوران هست. شهری پر قصه و پر حادثه که در آن پسر «لیث عطار» کم

آرمیتا علی‌رضایی

از اهالی قلم



ریختگی عنصر علیت، شاعرانگی و نوستالژی و ایجاد فضای چندمتنی تشکیل شده است. او بایبان این که خوانندگانی که علاقمند به خواندن آثاری در باره تجربه‌های انسان امروزی هستند، بازآفرینی افسانه را بر نمی‌تابند، عنوان کرد: آنچه این افراد از رمان می‌خواهند، انعکاس شخصیت فردی و موقعیت‌های بحران‌زای خویش است؛ درحالی که خصیصه‌های اخلاقی آدمیان و مناسبات حاکمیت و مردم، دغدغه مشترک دیروز و امروز جوامع انسانی بوده و هست. رمان مستوران با وجود برخی تفاوت‌هایش با آثار رئالیسم جادویی، گامی در همین راستا محسوب می‌شود.

ماجرایی می‌شود که قرار است دانای کل آنها را پی بگیرد. پناهی درباره نوع ادبیات رمان مستوران گفت: رمان نویسان شیوه رئالیسم جادویی، اغلب افسانه، تاریخ و جادو را درهم می‌آمیزند. حاصل چنین تلاشی توجه ویژه به فرهنگ، باورها و عقاید شگفت‌انگیز ناشی از بومی‌گرایی و به ویژه اسطوره‌گرایی است. زیرساخت فکری این گونه آثار از خیال‌بافی، تلفیق تجربه‌های انسان امروزی در قرون ماضی یا تصورات قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌های ادبیات عامه و شخصیت‌های تاریخی، درهم‌ریختگی زمان داستانی، راژگونگی کانون روایت، پیرنگ پیچیده، درهم